

روش‌شناسی حل مسئله انتظار بشر از دین

حسین مطیع*

چکیده

یکی از مشکلات مبحث انتظار بشر از دین در کشور ما عدم تحریر محل نزاع و نپرداختن به راهکارهاست. از آنجا که شیوه و چگونگی یافتن پرسش مهم‌تر از پاسخ به آن است این مقاله می‌کوشد تا با نقد دو راهکاری که برای حل این مسئله (راهکار برون‌دینی و راهکار درون‌دینی) مطرح شده، خود راهکار سوم و جدیدی را پیشنهاد دهد. روش حل سوم مبتنی بر تقسیم انتظارات بشر به اولیه (برون‌دینی، پیشینی و گزارشگرانه) و ثانویه (درون‌دینی، پسینی و اصلاح‌گرانه) می‌باشد. به نظر نویسنده این راهکار کلیدی برای فیصله دادن به پاره‌ای از نزاع‌ها در این موضوع می‌باشد. در پایان با ارائه دو جدول به تفکیک دیدگاه‌های پژوهشگران ایرانی و غیرایرانی در موضوع فوق بر حسب ملاک مذکور طبقه‌بندی می‌شود.

واژگان کلیدی

دین، انتظار بشر، راهکار حل مسئله، درون‌دینی، برون‌دینی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

طرح مسئله

مسئله انتظار بشر از دین از موضوعاتی است که در طی بیست سال گذشته ذهن و ضمیر بسیاری از عالمان و دین‌پژوهان را به جد به خود مشغول کرده است. در چند سال اخیر هر آن کس که تعلق خاطر به دین و مخصوصاً به حکومت دینی داشته این موضوع را مورد مذاقه و کنکاش قرار داده است و علاوه بر آن طرح این بحث ایرانی و در فضای سال‌های بعد از انقلاب و جنگ نشان از رویکرد جدید به رابطه انسان و دین در کشور ما دارد. چه نیازها و چگونه نیازهایی را باید از دین خواست؟ و در درجه اول دین تا چه اندازه توانایی پاسخ‌گویی به آن نیازها را دارد؛ در درجه دوم ناشی از تحلیل همین صورت مسئله است. البته این موضوع در مغرب زمین هم ریشه کهنی دارد و بعد از رنسانس با ظهور اومانسیم و انسان‌محوری در آن سامان انسان را مطالبه‌گر و محق دانسته و او حق خود را از همه چیز خواسته و از عالم و آدم توقع و انتظار دارد. یکی از مواردی که انسان مدرن از آن مطالبه می‌کند دین است. پس انسان محوری را می‌توان مقدمه طرح موضوع انتظار بشر از دین دانست و نمی‌توان آن را موضوعی سنتی و شبیه سایر مسائل علم کلام قدیم دانست.

بیش از ۱۰ کتاب و رساله و ده‌ها مقاله و چندین سمینار و کنفرانس در کشور ما تاکنون در این موضوع نوشته و برگزار شده است، اما همه آنها از یک مشکل روش‌شناختی رنج می‌برند و آن این است که تقریباً هیچ کدام روش یافتن انتظار بشر از دین را شفاف و روشن نمی‌سازند. از این‌رو شاهد تنازعات و مجادلات علمی فراوانی در خصوص مسئله فوق‌ایم. (سبحانی، ۱۳۸۲: ۱۷۶) و حال آنکه بسیاری از آنها ناشی از سوء تفاهم‌ها و عدم تحریر محل نزاع است؛ اگر صورت مسئله را قدری شکافته و فضای بحث از ابهام و تیرگی خارج شود. در نتیجه حدود و ثغور آن روشن و از همه مهم‌تر راهکارهای یافتن پاسخ معلوم گردد، گام مهمی برای حل مناقشات و پایان تخصص‌ها و باروری اندیشی‌ها برداشته شده است ولی متأسفانه شاهدیم مباحثات و مذاکرات در این موضوع با کژتابی‌ها و مغالطات فراوان همراه شده و تا این روشمندی روشن نگردد، مباحث بدون دقت وافی در مقدمات و مقومات موضوع مطرح و یا به بیراهه رفته یا با مسائل مشابه مثل انتظار دین از بشر، بایستی رجوع به دین، انتظار بشر از خدا، وجه حاجت بشر به دین، عرفی شدن دین و کمال دین خلط می‌شود.

غرض از نگارش این مقاله دادن راهکاری مناسب برای تحصیل پرسش مهم انتظار بشر از دین است که به‌زعم نویسنده می‌تواند خیلی از دعوایها را فیصله دهد و جمع بین رأی الحکماء باشد.

پیشینه مسئله

اولین کتابی که در این زمینه در کشور ما تألیف شده کتاب *انتظار بشر از دین* نوشته آقای عبدالله نصری است که در سال ۱۳۷۸ توسط پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به زیور طبع آراسته شد.

این کتاب مطالب پراکنده‌ای را که تا آن زمان در این باره بحث شده بود جمع‌آوری کرد ولی رویکرد اصل این کتاب پاسخ به بعضی شبهات و رد نظریه‌های تولید شده از صاحب قبض و بسط تئوریک شریعت است و متأسفانه فاقد روش‌شناسی لازم برای حل مسئله است و لاقلاً آن را صریح و شفاف بیان نمی‌کند. کتاب دیگر با همین عنوان *انتظار بشر از دین* از آیت‌الله جوادی آملی که در سال ۸۰ به زیور طبع آراسته شد و مجموع دروس معظم له با همین عنوان است این کتاب نیز تا فصل سوم به موضوع انتظار بشر از دین پرداخته و سپس توجه خود را معطوف به شبهاتی می‌کند که پیرامون این مسئله در مجامع علمی مطرح شده است و روش‌شناختی خود را برای حل مسئله توضیح نمی‌دهد.

کتاب دیگر *انتظار بشر* از دین نوشته آقای دکتر عبدالحسین خسروپناه که پایان نامه مقطع دکتری ایشان است و با مقدمه استاد آیت‌الله جعفر سبحانی زینت داده شده، این کتاب پرچم‌ترین کتابی است که در این موضوع تاکنون نگارش شده و در حدود ۲ صفحه به روش‌شناسی اشاره می‌کند و نظر برگزیده خود را نیز سعی می‌کند در قالبی روشمند ارائه دهد. استاد جعفر سبحانی نیز در کتاب سه جلدی *مدخل مسائل جدید در علم کلام* به نقد و بررسی این موضوع پرداخته‌اند و دو فصل انتظار بشر از دین و نیاز بشر به دین را در جلد سوم آن مطرح کرده‌اند و با تکیه بر اهمیت ریشه‌یابی مسئله بر این عقیده‌اند که عنوان موضوع دچار استحاله شده و طرح مسئله انتظار بشر از دین نادرست است و باید به صورت نیاز بشر به دین مطرح شود (سبحانی، ۱۳۸۳: ۳ / ۱۷۳) پس ایشان به نحوی صورت مسئله را پاک می‌کنند و طبیعی است که معظم له روشی را برای حل مسئله پیشنهاد ندهند.

کتاب خوب دیگری که در این زمینه در سال ۸۴ چاپ شد *انتظار بشر از دین* نام دارد که آقای محمدامین احمدی با دقتی درخور تحسین آن را گردآوری کرده و توسط پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی به چاپ رسید این کتاب مهم فقط ۳ صفحه درباره روش‌های تحقیق مسئله اختصاص داده است. در دهه ۹۰ هیچ کتابی با این موضوع چاپ نشده که نشان‌دهنده افول بحث - به دلایلی که ذکر آن خارج از حوصله مقاله است - باشد.

اما اولین مجله‌ای که پرونده این موضوع را به‌طور جدی گشود و ۲ شماره پیوسته درباره آن مطالب متنوعی چاپ کرد *نقد و نظر* در سال ۷۵ می‌باشد که اقتراح آقایان ملکیان و لاریجانی و داوری و ... در آن خواندنی است و تنها مقاله شیوه‌های تبیین انتظار از دین در آن چاپ شده که متأسفانه نارساست (شماره ۲) و مقاله ابوالقاسم فنایی هم در شماره ۳ آن قابل استفاده می‌باشد.

مباحث فراوان مشاهیری مثل دکتر عبدالکریم سروش، دکتر فراستخواه، آیت‌الله سبحانی و استاد ملکیان نیز در جاهای مختلف در این زمینه ارائه شده که عمدتاً به صورت سخنرانی بوده و بعد به شکل مقاله درآمد. میزگردها و همایش‌هایی نیز با عنوان فوق در بعضی دانشگاه‌ها، حوزه‌ها و مراکز پژوهشی برگزار شده است.

در دهه ۹۰ نیز چندین مقاله از نویسندگانی مثل علی رشید سلطانی (سایت راسخون) سید غلامرضا حسینی (سایت عترت و قرآن) و محمدمین احمدی (مرکز تحقیقات استراتژیک) را می‌توان نام برد که باز هم در آنها خبری از تنقیح و توضیح روش‌شناسی مسئله مذکور نیست.

پایان‌نامه‌های متعددی هم در این باره نگارش شده که رساله دکتر خسروپناه و پایان‌نامه کارشناسی ارشد جعفر شاه نظری و پایان‌نامه حسین مطیع در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق علیه السلام نیز در اواخر دهه ۷۰ و ۸۰ از آن نمونه است. که تنها در مورد اخیر روش‌شناسی مفصل طرح شده است. پس تفاوت کار این مقاله با زحمات نویسندگان و پژوهشگران قبلی در همین رویکرد شفاف‌سازی راه حل و ارائه راهکاری برای طبقه‌بندی و جمع بین نظرات است و خود نویسنده در این مضیق به ارائه نظر نهایی خود در پاسخ به مسئله نمی‌پردازد.

بیان مراد الفاظ

مراد از «انتظار بشر» در این مقاله می‌تواند دو چیز باشد، انتظار گاهی به معنای احتیاج و گاهی به معنای توقع است (جوادی آملی، ۱۳۸۲: ۲۷) تفسیر انتظار به معنای احتیاج، این است که انسان نیازهایی دارد و دین درصدد تأمین آن نیازهاست. اما در این تحقیق مراد توقع انسان از دین است. به عبارت دیگر چه نفعی با اقبال به دین عاید انسان می‌شود و چه ضرری با ادبار از دین به انسان می‌رسد و بالعکس، یعنی چه نفع یا منافی وجود دارد که اگر آدمی برای یافتن آنها سراغ دین نرود به آنها نمی‌رسد و چه نفع یا منافی وجود دارد که اگر سراغ دین نرود آنها را از دست می‌دهد.

از طرفی چه ضرر یا ضررهایی وجود دارد که اگر انسان سراغ دین نرود به او می‌رسد یا چه ضرر و ضررهایی وجود دارد که اگر سراغ دین برود به او می‌رسد!

این منافع و مضرات را می‌توان به درازمدت - کوتاه‌مدت، جمعی - فردی، اخروی - دنیوی، مادی - معنوی تقسیم کرد. منافع درازمدت آن منافی هستند که تا آخر عمر انسان در این دنیا به انسان می‌رسد و منافع کوتاه مدت منافی هستند که فقط در محدوده کمی از این دنیا و حتی چند روز یا چند ساعت میهمان آدمی است. منافع جمعی آن گروه از منافع هستند که جامعه یا جوامع خاصی از آنها بهره‌مند می‌شوند از خانواده گرفته تا نهادهای بزرگ‌تر و منافع فردی صرفاً شخصی و خصوصی هستند. منافع دنیوی منافی هستند که محدوده بهره‌مندی از آنها فقط دنیاست و منافع اخروی در آخرت (برزخ و قیامت) به انسان خواهد رسید. و منافع مادی منافی هستند که به ابعاد جسمانی انسان اعم از جسم دنیوی یا اخروی خواهد رسید و منافع معنوی به ابعاد روحی انسان خیر و بهره می‌رسانند.

اما درباره تعریف «دین» که معرکه آراء است، مراد و منظور نویسنده از بین همه آن صدها تعریفی که از

دین شده (همیلتون، ۱۳۷۷: ۲۱ - ۲۰)، مطلبی است که می‌تواند هسته این بحث قرار بگیرد و آن «ارتباط آگاهانه و روشمند انسان با خداست»؛ این تعریف برای موضوع مذکور جامع و مانع و کامل به نظر می‌رسد. اگر انسان در ساحتی از ساحت وجودی خود به نحوی از انحاء با خدا ارتباط داشته باشد، یعنی نوعی پیوند و ربط و تعلق میان او و آن مبدأ، وجود داشته باشد اجمالاً دین‌دار است. حال اگر این ارتباط صرفاً جنبه ناخودآگاه داشت دین‌ورزی تکوینی می‌شود، یعنی اقل مراتب که خارج از بحث ماست. اما وقتی این ارتباط جنبه خودآگاه پیدا کرد و متضمن به روشی شد که صاحب شریعت آن را آورده یا تأیید کرده است، فرد در حوزه دین وارد شده است.

ضمناً در این تعریف موضوع ذومراتب بودن دین‌داری هم می‌گنجد و هم می‌توان تمام ابعاد دین را در آن لحاظ کرد. فقه ارتباط در ساحت عملی و بیرونی (جواری) با خداست که از اطاعت و دستورهای خدا و بایدها و نبایدهای او منشأ گرفته است و اخلاق همین ارتباط در سایر اعمال جوانحی و صفات و روحیات و خلقیات است. عقیده یعنی ارتباط با او در ساحت علم و آگاهی و اندیشه و پذیرش گزاره‌های دینی که بنابر تعریف مشهور - گزاره‌هایی است که در متون مقدس آمده است - به همان نحوی که مؤید ارتباط با او باشد. این ارتباط هم در ساحت فردی و هم در ساحت جمعی می‌تواند شکل بگیرد، پس دین‌داری تک بعدی و فردی نیست.

اگر دین‌داری یعنی ارتباط خودآگاهانه با خدا، اعمال اخلاقی دین‌داری جزوی از دین‌داری او به حساب می‌آیند، و این ارتباط از اقل مراتب آن که ارتباط تکوینی و ناخودآگاه با خداست شروع می‌شود که اگر همراه با انکار و عناد ظاهری باشد می‌توان آن را بی‌دینی تشریحی نامید و قید «روشمند بودن» نیز متضمن داشتن برنامه‌ای برای این ارتباط از طرف آورنده دین و صاحب شریعت است که در قالب مناسک و عبادات و ... می‌گنجد. همین رابطه حضوری با خدا در باطن که محکم شد، دین‌دار به تکامل بیشتری می‌رسد همه اعمال و اندیشه‌های او توحیدی می‌شود و یعنی ارتباط با خدا وثیق‌تر و انسان با آن معبود محبوب‌تری نزدیک‌تر و مراتب قرب الی الله و ... را طی کرده و دین کامل می‌گردد.

تحلیل مسئله

سؤالی که لازم است در هنگام تحلیل مسئله و بیان شرایط و لوازم انتظار بشر از دین به آن پرداخته شود بحث مهم روش‌شناسی است، موضوع مهمی که متأسفانه اکثر کسانی که در این موضوع ورود کرده‌اند از آن غافل شده‌اند.

بی‌تردید یافتن روش و شیوه پاسخ به چنین پرسشی مقدم بر یافتن جواب‌های آن است. اینکه چگونه می‌توان انتظار انسان از دین را شناسایی کرد مهم‌تر از آن است که بگوییم انتظار از دین چیست؟ چرا که روش‌شناسی هم شیوه یافتن پاسخ را به خوبی نشان می‌دهد و می‌توان پاسخ را با محک آن سنجید و هم راه

برای تکرار تجربه دیگران باز می‌کند تا آنها به پاسخ‌های بهتر و والاتری دست پیدا کنند. باتوجه به اینکه بحث فوق اولاً در نگاه اول بیرون دینی بوده و ثانیاً انتظار و توقع یک مفهوم روان‌شناسی *Psychelegical state* است؛ پس متدولوژی این سؤال را نیز باید در انسان‌شناسی و روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و ... بیابیم. (روان‌شناسی که نوعی خودنگری *Interospection* و رجوع به خود است) و همچنین با مراجعه به متون دین و رفتار دین‌داران، به انتظارات زیاد و متنوعی از دین بر خواهیم خورد. حال سؤال این است که چگونه باید و می‌توان انتظارات را دسته‌بندی کرد تا هم نظم منطقی بحث حفظ شود، و هم کلیه موارد مربوطه احصا شود؛ جامع باشد ضمناً مانع بوده و موارد بیرونی از گردونه بحث کنار گذاشته شود.

بررسی راه‌حل‌های موجود

عده‌ای برای حل این مسئله رویکرد درون دینی را انتخاب کرده‌اند و عده‌ای رویکرد برون دینی را.

رویکرد اول: درون دینی

این عده معتقدند برای پاسخ به این سؤال باید نگاه درون متون دینی داشت و با مراجعه به کتاب و سنت و سیره پیشوایان، به پاسخ رسید، این رویکرد از بهره‌گیری از منابع برون دینی روی بر می‌تابد. چنانچه می‌دانیم برخی از نیازهای انسان به‌گونه‌ای است که از طریق عادی، دست کم به یکی از چهار وجهی که ذکر خواهیم کرد، قابل رفع نیستند.

به‌هیچ‌وجه از طریق عادی معرفت (تجربی، عقلی و تاریخی) نمی‌توان فهمید که چگونه این نیازها رفع می‌شوند. دست‌کم فهمیدن آنها مستلزم آزمون و خطایی است که ممکن است ضررهای جبران‌ناپذیر و ویرانگری متوجه انسان کند.

دست‌کم به کار بستن روش‌هایی که برای رفع آن نیازها از طریق عادی معرفت معلوم می‌شوند نیازمند عزم و اراده‌ای است که فقط برپایه تربیت دینی به دست می‌آید.

برخی می‌گویند آدمیان اصلاً برخی نیازهای خویش را تشخیص نمی‌دهند. (احمدی، ۱۳۸۴: ۳۱۳) این رویکرد به‌طور عمده از سوی نص‌گرایان و ظاهرمسلمان مطرح شده است که طیف گسترده‌ای دارد (خسروپناه، ۱۳۸۶: ۹۰) و توسط اصحاب حدیث، نقل‌گرایان، ظاهرگرایان، اشاعره، سلفی‌ها و اخباریون شیعه دنبال می‌شود. (سبحانی، ۱۳۸۰: ۴ / ۵۴)

نقد رویکرد اول

اول: این رویکرد نقل‌گرایی فقط برای متدینان و معتقدان به دین فایده‌بخش است، زیرا کسی که هنوز به دینی اعتقاد ندارد، نمی‌تواند در حل مسئله انتظار بشر از دین، از متون دینی استمداد کند، چون به شبهه دور گرفتار می‌شود. (خسروپناه، ۱۳۸۶: ۹۰)

دوم: بی‌اعتنایی افراطی به استدلال عقلی، دین‌پذیری غیر عقلانی را هم متزلزل می‌کند؛ یعنی کتاب و سنت اولاً با ادله عقلی و به روش برون‌دینی اثبات می‌شود والا پذیرش دین محقق نخواهد شد. حال آنکه خود آیات و احادیث تأکید زیاد بر تعقل و خردورزی دارند.

سوم: همه پرسش‌ها در این باره، از سنخ معارف درجه اول درون دینی نیستند تا بتوان با مراجعه به کتاب و سنت پاسخ آنها را یافت، بلکه پاره‌ای از پرسش‌ها به حوزه‌های معارف درجه دوم، از جمله فلسفه اخلاق، فلسفه فقه و حقوق، فلسفه سیاست، فلسفه اقتصاد در زمینه‌های گوناگون برمی‌گردد. برای نمونه، شناخت بخشی از نیازهای انسان به وسیله مباحث انسان‌شناسی که از بحث انگیزش روان‌شناسی تحصیل می‌شود یا در طرح کارکردهای دین، مراجعه به متدینان و آزمودن دین در صحنه‌های عملی تاریخ حیات دینی، ضرورت دارد (همان: ۹۸) هیچ یک از این دانش‌ها از سنخ معارف دینی نیستند، به همین دلیل بسنده کردن به روش درون دینی در حل مسئله ما مشکل گشا نیست و قائل دچار مغالطه جمع کردن چند مسأله در یک صورت مسئله «جمع المسائل فی مسئله واحدة» شده است.

چهارم: فهم متون دینی [بعضاً] در گرو تعیین و تحدید انتظارات ما از دین است و نه برعکس (سروش، ۱۳۷۴: ۱۳۵) چون اگر به فرض کسی چنان پندارد که از کتاب و سنت نمی‌توان جمیع نکات مدنظر خود را بیابد و استخراج کند در آن صورت ممکن است گاهی عبارات دینی برای او معانی دیگر بیابند و او خواهد کوشید از کمترین اشاره بیشترین استفاده را بکند (هرچند متون مقدس تفاوت‌هایی در اینجا دارند) پس بدون چارچوب قبلی نمی‌توان به سراغ متون دینی رفت.

رویکرد دوم برون‌دینی

این رویکرد صرفاً با روش برون‌متنی به حل مسئله انتظار بشر از دین و توابع آن مثل قلمرو دین، اهداف دین و نیازهای دینی بشر پاسخ می‌دهد. این رویکرد حالات گوناگونی دارد:

الف) روش عقلی و فلسفی که با مطالعه براهین ضرورت بعثت انبیا به وسیله متکلمان و حکیمان به دست می‌آید. (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۴ / ۱۵)

ب) روش کارکردگرایانه که به‌طور عمده با توجه به روان‌شناسی و جامعه‌شناسی دین و با استمداد از دروس تجربی تاریخی به دست می‌آید و آثار و خدمات دین را نشان می‌دهد؛ مواردی مثل معنابخشی به حیات آدمی، پشتیبانی از اخلاق، حل مشکل تنهایی (ملکیان، ۱۳۷۵: ۳۴) و ... از این راه به دست می‌آید.

ج) پرسش از متدینان و مخالفان دینی است که چرا متدینان به دین روی آورده و مخالفان به آن پشت کرده‌اند. و همچنین روش انسان‌شناسی تجربی و آزمون‌پذیری تاریخی مکتب (سروش، ۱۳۷۵: ۱۹۷ - ۱۷۸) که از طریق استقرا به یافتن پاسخ می‌پردازند.

نقد رویکرد دوم

اول: در نقد حالت اول باید گفت این دسته از براهین فلسفی و کلامی در بیان پاره‌ای از نیازهای دینی انسان‌ها توانمندند اما در تبیین قلمرو کامل دین و انتظارات کامل بشر از دین ناتوانند. چون فقط به شناخت‌های کلی نیازهای دینی انسان‌ها بسنده می‌کنند. (خسروپناه، همان: ۱۱۰)

دوم: در نقد حالت دوم نیز همین کافی است که جامع و مانع نمی‌باشد. چرا که بسیاری از ابعاد روانی و انسانی دین را دربر نمی‌گیرد.

سوم: روش سوم نیز روش تجربی است و نه تنها دامنه کامل دینی و همه انتظارات بشر را بیان نمی‌کند بلکه پاسخ متدینان و مخالفان فقط در حد انتظارات شخص آنها مفید است ولی بیانگر انتظارات منطقی از دین نیست. زیرا نسبت دین و دین‌داری عامیانه عموم و خصوص من وجه است. و ممکن است که تصور اشتباه مردم از دین و توقعات بی‌جای آنها نیز در گرایش به دین یا گریز از آن مؤثر بوده باشد، حال آنکه متون دینی ناطق بوده و موظف نیستند خود را با دیدگاه‌ها و انتظارات بیرونی آدمیان منطبق سازند. ضمناً روش تاریخی هم کفایت نمی‌کند چون تاریخ جامعه دینی آینه تمام نمای دین نیست.

راه حل منتخب

راه حل سوم که به نظر میرسد جمع بین دو رویکرد درون و برون دینی است مبتنی بر این است که باید در دو مرحله مسئله را پیگیری کرد.

اول: در مرحله برون دینی، تصور ما بر استفاده از عقل، تجربه و تاریخ است یعنی با مراجعه به علوم روان‌شناسی دین، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی، خودنگری و ... باید دریافت که آدمیان قبل از اینکه وارد به حوزه دین شوند و دینی را بپذیرند، چه انگیزه‌ای داشته و چه توقعاتی از آن دارند که ما به آن انتظارات اولیه می‌گوئیم. دین‌ورزی و اقبال به دین از افعال اختیاری آدمیان به‌شمار می‌رود و هیچ فعل اختیاری بدون هدف و انگیزه کافی از فاعل با شعور و آگاه و مختار صادر نمی‌شود. بنابراین انگیزه یا انگیزه‌های معینی چون جلب منفعت یا دفع ضرر محتمل و غیره لازم است تا انسان را به سمت دین‌شناسی و دین‌باوری سوق دهد.

پس در گام اول فقط با روش برون‌دینی می‌توان انگیزه رجوع به دین‌ورزی و دین‌باوری را توجیه و مستدل کرد (هرچند مراجعه به دین دلیل فهم دین و متون دینی نیست و انگیزه رجوع به دین از علل دین‌پذیری و نه ادله دین‌فهمی، خواهد بود)

دوم: در مرحله بعد وقتی انسان وارد در حوزه دین شد و تدین به دین خاصی را قبول کرده این متون دینی هستند که با اصلاح توقعات او از دین پاسخگوی انتظارات او هستند، این اصلاح می‌تواند در چهار ناحیه صورت گیرد:

۱. تأیید انتظار و توقع قبلی فرد از دین، که انگیزه‌ها همان انگیزه‌ها محسوب می‌شود؛
 ۲. تکمیل انتظار و توقع قبلی فرد از دین؛
 ۳. حذف انتظار و توقع‌های قبلی (احمدی، همان: ۲۱۰) این اعلام می‌کند که چنین نیازی را برآورده نخواهد کرد و از حوزه وظایف دین خارج است؛
 ۴. ایجاد نیازها و توقعات جدیدی که قبلاً جزو انگیزه‌های انسان نبوده و یا حتی از آن اطلاعی نداشته است. که در مراحل بالاتر دین‌داری مثل ایمان، تقوی و احسان نو به نو خواهد شد و لذا انتظارات ثانویه ایجاد و تعریف می‌شود.
- پس می‌توان با مراجعه به متون مقدس انتظارات را تنقیح و تنظیم کرد و از خود متون بپرسیم که ما چه نیازهایی را از دین داشته باشیم یا چه نیازهایی را نداشته باشیم این پرسش به دو صورت قابل طرح است:
- (الف) بشر چه توقعاتی از دین دارد؟ (گزارشگرانه Reportive)
- (ب) بشر چه توقعاتی از دین باید داشته باشد (اصلاح‌گرانه Refarmative)
- پس پاسخ گزارشگرانه را از مرحله اول (انتظارات اولیه) باید یافت. یعنی همانی که مردم قبل از تدین به آن دلیل سراغ دین می‌آیند.
- پاسخ‌های اصلاح‌گرانه را در مرحله دوم، (انتظارات ثانویه) باید یافت. یعنی همان انتظاراتی که دین اصلاح کرده و توقع مردم را از خود تصحیح می‌کند.
- پاسخ‌های گزارشگرانه یا پیش‌دینی در حالت اول، باید به نحو برون‌دینی، سازنده فهرست انتظارات بشر از دین باشند چراکه مقدم بر اقبال به دین هستند.
- پاسخ‌های اصلاح‌گرانه یا پسینی یعنی وقتی که متون مقدس انتظارات بشر از خود را اصلاح و تصحیح می‌کنند (مانند مغازه‌داری که به مشتریان تازه وارد خود اعلام می‌کند چه نوع و چه میزان از نیازها و مایحتاج آنها را می‌تواند تأمین کند تا آنها توقع و خواستی فراتر یا فروتر از آن چارچوب نداشته باشند)
- اتفاقاً در پاسخ به سؤال، به نحو پسینی، مشاهده می‌شود متون مقدس بعضاً بیان می‌دارند که دین فقط چه انتظاراتی را برآورده می‌کند یا چه وعده و وعیدهایی می‌دهد.
- با این تقسیم‌بندی بسیاری از منازعات در این موضوع فیصله یافته و پاسخ‌ها جایگاه خود را می‌یابند، ضمناً شبهه‌ای که عده‌ای وارد می‌کنند مبنی بر اینکه نمی‌توان انتظار بشر از دین را از خود متون دینی یافت چراکه مستلزم دور است باطل می‌شود (مجتهد شبستری، ۱۳۷۳: ۲۳) چراکه فهم متون دینی الزاماً متوقف بر انتظار ما از دین نیست و شریعت صامت نیست تا هرچیزی را بتوان به آن تحمیل کرد و حتی کسی که بدون هیچ انتظاری به‌عنوان یک پرسشگر و محقق که خارج از چارچوب آن دین به تحقیق در آن متن می‌پردازد می‌تواند به راحتی آن متن را فهم کند و توقعاتی را که متون دینی خواسته‌اند تا آدمی از دین داشته باشد دریافته و برشمارد.

پس انتظار بشر از دین در فهم متن مقدس به نحو موجه جزئیة تأثیرگذار است اما در نصوص و محکمت و قواعد کلی و ظواهر چنین نیست (لاریجانی، ۱۳۷۵: ۲۹)، بلکه در متشابهات و کلمات مبهم و دوپهل و فروعات کمی تا قسمتی مؤثر هستند. و اصلاً یکی از شرایط دلالت و ظهور در این موارد التفات و توجه ذهن است و آن التفات در مواردی از رهگذر انتظار حاصل می‌شود. (فناهی، ۱۳۷۶: ۳۱) بنابراین نگرش یک فرد درباره انتظار به حق بشر از دین بر تفسیر و برداشت وی از متون مقدس و دیگر زمینه‌ها از جمله بسیاری از مسائل کلامی، [به صورت موجه جزئیة] تأثیر خواهد گذارد. (لگنهاوزن، ۱۳۷۵: ۲۸ - ۲۷)

نتیجه

نویسنده در این مقاله قصد تمرکز بر یک یا دو دیدگاه و انتخاب نظر نهایی درباره انتظار بشر از دین را نداشته و فقط به دنبال روش‌شناسی حل مسئله است.

باتوجه به آنچه گذشت به نظر می‌رسد شیوه درست یافتن انتظارات بشر از دین همانا تفکیک انتظارات اولیه (برون‌دینی) و گزارشگرانه از یک طرف و انتظارات ثانویه (درون‌دینی) و اصلاح‌گرایانه از سوی دیگر است و این راهکار می‌تواند هم به طرح بحث در مجامع علمی و آکادمیک سامان داده و ما را از مغالطه «جمع‌المسائل فی مسئله واحدة» نجات می‌دهد هم بعضی اختلافات میان صاحب‌نظران را دفع و نوعی جمع بین رأی الحکما باشد. مثلاً اختلاف میان آقایان سروش و صادق لاریجانی در این باب که با تفکیک انتظارات اولیه (که بیشتر مطمح نظر آقای سروش است) از انتظارات ثانویه (که بیشتر مطمح نظر آقای لاریجانی است) تا حدی قابل حل و رفع می‌باشد. از دیگر فواید این نوع تقسیم‌بندی این است که جایگاه نظریه هر کس در موضوع انتظار بشر از دین معلوم و منقح می‌شود مثلاً انگیزه‌هایی مثل حقیقت‌جویی، حل مشکل تنهایی و مرگ (ملکیان)، عصمت جویی و خیرخواهی (مطهری)، عدالت تبیین مسائل لاینحل (بینگر)، حل مشکل عدم تساوی سرمایه‌های نخستین (که در ادیان بودا و هندو مطرح است) جبران رنجها و محرومیت‌ها (فروید)، آرامش (یونگ و جیمز)، حل مشکل خلأ وجودی و سردرگمی (فویرباخ) و حیات اخروی (علامه طباطبایی) و ایدئولوژی (شریعتی) را می‌توان از انتظارات اولیه (برون‌دینی یا پیشینی) بشر نام نهاد.

و در ادامه می‌توان انتظارات زیر را از موارد انتظارات ثانویه (درون‌دینی یا پسینی) برشمرد:

معنا دادن به زندگی (کلیفرد گریس و پیتربرگ)، سعادت دنیا (بازرگان)، رستگاری آخرت (بازرگان، سروش) کمال (دیدگاه سنتی مسلمانان و عارفان مانند خسروپناه)، اخلاقی شدن انسان (بریت ویت) برآوردن احتیاجات ثابت بشری (مطهری)، علم قدسی (نصر)، شناخت اعتقادات (جوادی آملی)، بیان نیایدها و نشایدها (مجتهد شبستری)، ایجاد نظم و امنیت دنیایی (همیلتون)، تجربه دینی و عرفانی و تفسیر آن (استیس) دانش برآیند اعمال خویش در درازمدت (احمدی)، علم دینی (خسروپناه) همه و همه مواردی هستند که در زمره انتظارات ثانویه بعد از رجوع به دین قابل طرح می‌باشند.

جدول (۱): الف) انتظارات اولیه (برون دینی و پیشینی) گزارشگرانه

انتظارات بشر از دین	صاحب رأی	توضیحات
حقیقت جویی	شهید مطهری و علامه طباطبایی	ایشان از تعابیری مثل هدایت و ... یاد می‌کنند
حل مشکل تنهایی	ملکیان	
عصمت‌جویی (خبرخواهی)	شهید مطهری	
توجه‌پذیری امور شگفت‌انگیز	ماکس وبر، بینگر	
حل معمای مرگ	ملکیان	بعضاً از این مورد به حل مشکل بی‌نهایت طلبی و جاودانگی یاد کرده‌اند
عدالت	ملاصدرا	
حل مشکل عدم تساوی سرمایه‌های نخستین	ادیان بودا و هندو	مسئله سنتی دینهای مذکور است
شناخت انسان (معرفة النفس)	—	به صورت سنتی چنین انتظاری وجود داشته است
حل مشکل خلاء وجودی و سردرگمی	تویرباخ	
آرامش	فروید، یونگ، ویلیام جیمز	
جبران محدودیت‌ها و رنج‌ها	فروید	
حل مشکل محدودیت وجودی	—	اگزستانسیالیست‌های توحیدی نوعاً چنین دیدگاه‌هایی دارند
حیات اخروی	علامه طباطبایی	
ایدئولوژی (فلسفه زندگی در اجتماع)	دکتر شریعتی	
تبیین مسائل لاینحل	بینگر	

جدول (۲): انتظارات ثانویه (درون‌دینی و پسینی) اصلاح‌گرانه

انتظارات ثانویه	صاحبان رأی	توضیحات
شناخت اعتقادات	جوادی آملی	
معنادادن به زندگی	کلیفورد گریبس، پیتربرگ	
سعادت دنیا	بازرگان، شهید صدر	
رستگاری آخرت	بازرگان، سروش	
کمال	صادق لاریجانی	
اخلاقی شدن انسان	بریث ویت	

انتظارات ثانویه	صاحبان رأی	توضیحات
برآوردن احتیاجات ثابت بشری	شهید مطهری	
بیان اصول کلی	محمد عبده	
نجات	—	این مفهوم عبارت مسیحی سعادت اخروی است
بیان نبایدها و نشایدها	محمد مجتهد شبستری	این موارد قسمتی از ارزش‌ها هستند
مطبوع ساختن زندگی بشر در عرصه هستی	سروش	این پاسخ عبارت دیگری از معناداری زندگی است
علم قدسی	سیدحسین نصر	
دادن مقولات سعادت بخشی که عقل به آدمی نمی‌دهد	سروش، مجتهد شبستری	
علاج جهل	آگوست کنت، اسپنسر	این پاسخ، عبارت دیگر حقیقت جویی می‌تواند تلقی شود
جبران رنج و محرومیت	عبدالله نصری	
ایجاد نظم و ثبات و امنیت	همیلتون	
کمک به فرآیند اجتماعی شدن	همیلتون	
تجربه دینی و تفسیر آن	استیس	
علم دینی	خسروپناه	
دانش برآیند اعمال خویش در درازمدت	احمدی	

منابع و مأخذ

۱. آلستون، ویلیام پی، ۱۳۷۶، *دین و چشم‌اندازهای نو*، ترجمه غلامحسین توکلی، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه.
۲. احمدی، محمدامین، ۱۳۸۵، *انتظار بشر از دین*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چ ۲.
۳. استیس، والتر ترانس، ۱۳۷۷، *دین و نگرش نوین*، ترجمه احمد رضا جلیلی، تهران، حکمت.
۴. بازرگان، مهدی، ۱۳۵۹، *مذهب در اروپا*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۵. بازرگان، مهدی، ۱۳۷۷، *آخرت و خدا هدف بعثت انبیا*، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
۶. پترسون، مایکل و دیگران، ۱۳۷۶، *عقل و اعتقاد دینی*، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، تهران، طرح نو.
۷. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۲، *انتظارات بشر از دین*، قم، مرکز نشر اسراء.

۸. جیمز، ویلیام، ۱۳۹۳، *تنوع تجربه دینی*، ترجمه حسین کیانی، تهران، انتشارات حکمت.
۹. خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۸۶، *انتظار بشر از دین*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ج ۲.
۱۰. سبحانی، جعفر، ۱۳۸۰، *بحوث فی الملل والنحل*، ج ۴، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۱. _____، ۱۳۸۳، *مدخل مسائل جدید در علم کلام*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۲. سروش، عبدالکریم، ۱۳۷۴، *مدارا و مدیریت*، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط.
۱۳. شریعتی، علی، ۱۳۵۶، *مجموعه آثار*، تهران، حسینیه ارشاد.
۱۴. شیرازی، صدرالدین، ۱۳۶۵، *مبدأ و معاد*، کوشش عبدالله نورانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۱۵. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۷۰، *قرآن در اسلام*، تهران، دارالمکتب الاسلامیه.
۱۶. فروید، زیگموند، ۱۳۴۰، *آینده یک پندار*، ترجمه هاشم زهی، تهران، انتشارات کافی.
۱۷. فنایی، ابوالقاسم، ۱۳۷۶، «انتظار بشر از دین و رنگی در صورت مسئله»، *فصلنامه نقد و نظر*، سال دوم، شماره ۳.
۱۸. گیسلر، نورمن، ۱۳۷۲، *فلسفه دین*، ترجمه حمیدرضا آیت‌اللهی، تهران، حکمت.
۱۹. لاریجانی، صادق، ۱۳۷۵، «اقتراح»، *فصلنامه نقد و نظر*، سال دوم، شماره دهم.
۲۰. مجتهد شبستری، ۱۳۷۳، *هرمنوتیک کتاب و سنت*، تهران، طرح نو.
۲۱. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۶، *معارف قرآن، راه و راهنماشناسی*، ج ۳، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۲. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۸، *اسلام و مقتضیات زمان*، ج ۲-۱، تهران، صدرا.
۲۳. _____، ۱۳۶۹، *فطرت*، تهران، صدرا.
۲۴. ملکیان، مصطفی، ۱۳۷۵، «اقتراح»، *نقد و نظر*، سال دوم، شماره دوم.
۲۵. نصر، سیدحسین، ۱۳۷۹، *نیاز به علم مقدس*، ترجمه حسن میانداری، قم، مؤسسه فرهنگی طه.
۲۶. نصری، عبدالله، ۱۳۷۸، *انتظار بشر از دین*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۷. همیلتون، ملکم، ۱۳۷۷، *جامعه‌شناسی دینی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشارات تبیان.
۲۸. هیک، جان، ۱۳۷۶، *فلسفه دین*، ترجمه بهزاد سالکی، تهران، انتشارات الهدی.
۲۹. یونگ، کارل گوستاو، ۱۳۷۷، *روان‌شناسی دینی*، ترجمه فؤاد روحانی، تهران، نشر پژوهش فرزانه.
۳۰. ینگر، میلتن، ۱۳۷۶، *دین و چشم‌اندازهای نو*، ترجمه غلامحسین توکلی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی